

همانا سالروز میلاد شریف پیامبر گرامی، یادآور یک زندگی تمام‌عیار است، نه صرفاً یادبود روزی مشخص و محدود. این سالروز، یادبودی است که یزر گداشت و تکویم آن در پیروی و اطاعت از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همه جواب‌ زندگی رقم می‌خورد، نه تنها با برپایی آیین‌ها و جشن‌های مذهبی در یک روز از سال. این سالروز، انگیزه و یادآور عمل و تلاش است، نه مناسبتی برای تعطیلی و بازایستادن. پس از درگاه الله سبحانه‌و‌تعالی، در سایه‌سار این یادبود معطر و دل‌انگیز، سائنات داریم که این مناسبت انگیزه‌ای نیز‌موند برای امت اسلامی در جهت برپایی بنای باشکوه اسلام یعنی دومین خلافت راشده بر منهج نبوت گردد، تا مشعل هدایت، خیر و رستگاری برای تمامی بشریت باشد.



در این شماره می‌خوانید:

از طرابلس تا بنغازی؛ آیا ترکیه، مزدور آمریکا، لبی را بازترسیم می‌کند؟...

نگاهی به آرایش نسبی در جنگ آمریکا علیه ایران...

بمن و ارتدیزی از آن زرخدادهای منطقه...

طرح قانون آمریکا برای تقویت همکاری‌های دفاعی میان خود و رژیم یهود...

چهارشنبه ۱۳ ربيع الاول ۱۴۴۸ هـ، ۲۶ ۲۶ ۲۰۲۶ م، ۴ شهریور ۱۴۰۵ ش.

پی‌شوايي که هرگز به پيرواني دروغ نمی‌گويد

مقاله برگزیده

نقش آمریکا در جنگ سودان

استاد ابراهیم مشرف

بسیاری از مردم در سودان از حقیقت نقش آمریکا در جنگ این کشور ناگاکه‌اند؛ یا به دلیل شناختن ماهیت واقعی آمریکا و یا به سبب پنهان‌سازی حقایق به شیوه چرچیل. شگفت آنکه تمام جریان‌های سیاسی مخالف نظامیان، هرگاه مقامی آمریکایی‌سخن بر زبان می‌آورد، برای تأیید و استقبال از آن از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

اما به راستی حقیقت نقش آمریکا در جنگ سودان چیست؟!

آنچه در عمل جریان دارد این است که دو سوی درگیری و جریان‌های سیاسی بر این باورند که هیچ راهکاری جز آنچه آمریکا پیش پایش می‌گذارد وجود ندارد و می‌گذارند که آمریکا میانجیگری بی‌طرف است و هیچ پیوندی با جنگ ندارد!

گروهی دیگر نیز چنین می‌انگارند که جنگ در سودان تنها میان دو ژنرال، یعنی برهان و حمدیتی است و رقابتی بین‌المللی در کار نیست، بلکه صرفاً نزاعی داخلی بر سر قدرت است؛ آن‌گاه درباره این بحث می‌کنند که چه کسی نخستین گلوله را شلیک کرده است و هرگونه سخن گفتن از دست‌های پشت‌پرده قدرت‌های بزرگ و افکارز جامعه بین‌الملل، مانند آمریکا یا بریتانیا را توهم توطئه می‌شمارند. در این میان، لشکری تمام‌عاز از دروغ‌پردازی به میدان می‌آید تا حقیقت دخالت آمریکا در جنگ سودان را پرده‌پوشی کند؛ با عباراتی که‌ام‌کننده سخن می‌گویند و توجیهاتی می‌تراشند. اینجاست که اهمیت کاوش در پی حقایق پنهان، به‌ویژه در روزهای جنگ، دوجندانه می‌شود؛ چنان‌که چرچیل، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، در نشست‌ی با روزولت و استابین برای بررسی وضعیت جنگ و آینده آلمان، با کمال مراحت به آنان گفت: «حقیقت در دوران جنگ چنان گران‌بهاست که باید همواره لشکری از دروغ پاسدار و نگهبان آن باشد». حال آیا آمریکا واقعاً دولتی بی‌طرف و دوست است تا بتواند نقش میانجی را بازی کند، یا آنکه این نگاه، پرده‌پوشی بر حقیقت آن به عنوان دولتی استعمارگر و دشمن اسلام و مسلمانان است؟

آیا این آمریکا نبود که پس از در دست گرفتن پرورنده جنوب سودان، آتش جنگ را در آنجا برافروخت و نبرد را میان دست‌نشاندها گداشت در آنجا تجزیه نمود؟

بی‌تردید این نبرد کنونی میان ارتش سودان و نیروهای واکنش سریع را نیز آمریکا شعلور ساخته است و همان است که جنگ و آتش‌پس‌ها را اداره می‌کند؛ تا کشمکش‌های سیاسی در سودان را با شتابی تند به میدان نوبنی که خود ترسیم کرده منزلت، دست‌نشاندها انگلیس و اروپایی‌ها را از کنون نزاع براند و خود به تنهایی مهار طرف‌های درگیر را در دست گیرد.

اما درباره چگونگی برافروختن آتش جنگ در سودان توسط آمریکا؛ پایگاه عربی‌پست در تاریخ ۲۰۲۳/۰۴/۱۹ به نقل از روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز پیرامون تازه‌ترین اطلاعات از ساعت آغازین درگیری در تاریخ ۲۰۲۳/۰۴/۱۹ نوشت: (شامگاه ۱۴ آوریل، نشست‌ی از مذاکرات سودان دو طرف «برهان» و «حمدیتی» با حضور فرستادگان خارجی برگزار شد؛ در این نشست و هم‌دهی‌های ردوبدل شد و امتیازاتی گرفته شد. پیش از آنکه هر دو در منزل یکی از فرماندهان ارشد نظامی در کتار هم شام بخورند). سپس در ابامداد یکشنبه، بایدن رئیس‌جمهور آمریکا دستور خروج دیپلمات‌هایش از سودان را صادر کرد. پس از آن نیز اظهارات مقامات آمریکایی، از بلیکن گرفته تا پاولز، از نخستین روز جنگ تا به امروز بر این محور بوده که این نبرد هرگز با پیروزی نظامی بی‌کف‌هره پایان نخواهد یافت؛ زیرا این خود آنان بودند که آتش جنگ را برافروختند و اداره‌اش می‌کنند. سپس آمریکا پرورنده صلح را به دست گرفت؛ در نتیجه آتش‌پس‌های پهلپی، مذاکرات مداوم و بسترسازی‌ها آغاز شد، که سرآغاز آن منبر جده بود؛ همان جایگاهی که آمریکا بی‌درنگ پس از وقوع جنگ برپا ساخت تا پرورنده صلح را در انحصار گیرد، را به رخ دالت اورا و دست‌نشاندهایش ببیند و موضوع اصلی بحث در تمامی محافل، از منبر جده گرفته تا گروه‌های چهارجانبه و پنج‌جانبه را صرفاً به «آتش‌پس‌بشر‌دوستانه» فروگاهد.

این آتش‌پس‌هایی که طرح پیشنهادی آمریکا به بهانه رساندن کمک‌های ادامه می‌دهد



ائتلاف سه‌گانه سعودی، ترکیه و پاکستان

عالم گرانقدر عطا بن خلیل ابو الرشته



پرسش: العربیه نت در تاریخ ۲۰۲۶/۰۸/۱۸ از استقبال ترامپ از توافق سه‌جانبه میان ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی خبر داد؛ (دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از امضای توافق‌نامه دفاع مشترک مکه میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان استقبال کرد و این گام را بسیار بزرگ، جسورانه و فوق‌العاده مهم خواند؛ وی هم‌زمان هماهنگی امنیتی میان کشورهای خاورمیانه و حرکت آن‌ها به‌سوی تقویت توانمندی‌های دفاع مشترکشان را ستود) و العربیه نت پیش‌تر در تاریخ ۲۰۲۶/۰۸/۱۷ منتشر کرده بود: (ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشال افزود که از امضای این توافق توسط این سه کشور خرسند است و توافق‌نامه دفاع مشترک مکه را بازتابی از همکاری فزاینده میان کشورهای خاورمیانه دانست). پیش از آن نیز خبرگزاری رسمی عربستان (واس) در روز جمعه ۲۰۲۶/۰۸/۰۷ در پایگاه خود اعلام کرد: (محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، توافق‌نامه دفاع مشترک مکه را امضا کردند؛ توافقی که بیانگر تمایل شدید این سه کشور برای تقویت امنیت مشترک خود، تحقق امنیت، صلح و ثبات در منطقه و جهان و در راستای دستیابی به آینده‌ای امن و شگوافا است). اکنون پرسش این است: ابامداد و پیامدهای امضای این توافق توسط این سه کشور چیست؟ آیا این پیمان، ائتلافی برای نبرد در متجاوزان به سرزمین‌های مسلمانان مانند رژیم یهود است؟ یا صرفاً با توجه به مشتمل شدن اوضاع خلیج، در راستای حمایت از عربستان در برابر ایران است؟ دیگر آنکه چرا آمریکا پس از گذشت ده روز حمایت خود را از این توافق اعلام کرد، در حالی که این سه کشور هم‌پیمان آمریکا هستند و بعید است بدون موافقت آن به توافقی دست یابند؟ در پایان، هدف نهایی از این توافق چیست؟ جزاگم الله خبر...

پاسخ: برای روشن شدن پاسخ، موارد زیر را بررسی می‌کنیم:
۱- خبرگزاری رسمی عربستان (واس) در روز جمعه ۲۰۲۶/۰۸/۰۷ توافقی، اگر خلاص می‌باشند، درمی‌یابند که به‌بختی‌توانایی توجیه منتشر کرد: (محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، توافق‌نامه دفاع مشترک مکه را امضا کردند؛ توافقی که بیانگر تمایل شدید این سه کشور برای تقویت امنیت مشترک خود، تحقق امنیت، صلح و ثبات آواره ساخته و قبیح‌ترین جنایت را مرتکب شده است و مردم آن را در منطقه و جهان و در راستای دستیابی به آینده‌ای امن و شگوافا است). این خبرگزاری همچنین یادآور شد که بیانیه مشترک امضا شده در پی پیشتند در زمینه پیکرشان، بر روی رژیم یهود نیز باز است؛ چنان‌که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه گفت: (این توافق‌نامه هیچ کمثوری را هدف قرار ندهد و درهای آن بجزوی مشارکت کشورهای که هدفشان تحقق ثبات در منطقه است باز است). بدین ترتیب وی رژیم یهود را مراحتاً استننا نکرد، بلکه موضوع را شانور باقی گذاشت و این خود مایه‌ای از اطمینان‌بخشی به رژیم یهود است؛ چرا که ترکیه این رژیم را ادامه می‌دهد

آمریکا امور عراق را از نظر سیاسی و اقتصادی اداره می‌کند؛ به‌راستی که این حادثه‌ای پس بزرگ و جنایتی پس سهمگین است

به‌راستی چه دردنگ است عراقی که روزگاری مرکز خلقت بود و خلیفه‌های قیصر روم را چنین مغایب می‌ساخت که: «پس از آن چیزی است که با چشم خود خواهی دید، نه آنچه با گوش بشنوی» و در پی آن لشکریان مسلمان به حرکت درمی‌آمدند و درسی به او می‌دادند که به راه درست بازگردد. امروز امور این سرزمین را آمریکا اداره می‌کند؛ نه تنها در عرصه سیاسی، بلکه حتی اموال و در آمدهای عراق را توفیق ای‌آمریکاست، به گونه‌ای که حکومت عراق توان پرداخت حقوق کارکنان خویش را ندارد مگر آنکه آمریکا اجازه دهد اندکی از دارایی‌های خود را به آن واگذار کند؛ حتی که این از جودات پس بزرگ و جنایتی پس سهمگین است.

کلام الله سبحانه‌و‌تعالی درباره این رژیم‌ها چه راست و چه است، «سَمِیعُ الَّذِینَ اَنْزَلُوا مَعَهُ عِنْدَ اللّٰهِ وَعَدَّتْ شَیْءٌ بِمَا کَانُوا یَفْعَلُونَ» «مژود کسی را که مرتکب جرم و گناه شده، به سزای تیرنگ‌هایی که می‌ورزیند، در پی‌شگاه الله سبحانه‌و‌تعالی خواری و عذاب سخت فرو خواهد گرفت» و امت هرگز از این خواری نخواهد یافت مگر آنکه خلعت راشده خود را به نصرت به حزب‌التحریر، این پیشگامی که هرگز به اهل و یاران خویش دروغ نمی‌گوید، بازگرداند و در آن هنگام وعده الله سبحانه‌و‌تعالی محقق خواهد شد: «وَعِدَ اللّٰهُ الَّذِینَ اٰمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالٰتِ اَتْمٰنًا لِّتُقَبِّلَهُمْ فِی الْاٰخِرَةِ...» «الله سبحانه‌و‌تعالی به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که فلما آنان را در زمین جانشین خواهد کرد...»

پس از آن، بشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از این دوران حاکمیت جبرانه‌ای که در آن به سر می‌برد محقق خواهد گشت: «...حَیْهَ کَکَ: رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «سپس پادشاهی جبری خواهد بود و تا زمانی که الله سبحانه‌و‌تعالی بخواهد ادامه می‌دهد؛ سپس آنکه که پروردگار اراده فرماید، آن را برمی‌چیند؛ آن‌گاه فلان‌بر من مهتج شود خواهد بود؛ سپس سکوت فرمودند» و از زمان است که نصرت اهل فرا می‌رسد: «وَيَوْمَذِیْقُ النَّفْثُ الْاَوْفُونَ» «بشر الله! ای پشمن رخ پشا! لا فوْزَ لِّلْاَغْزِیْمِ»

برگرفته از جواب سوالی که امیر‌التحریر، عالم جلیل‌القدر، عطا بن خلیل ابوالرشته صادر نموده است

از طرابلس تا بنغازی؛ آیا ترکیه، مزدور آمریکا، لیبی را بازترسیم می‌کند؟

مهندس وسام الاطرش



سفر هاگان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، به لیبی در روزهای ۱۱ و ۱۲ اوت ۲۰۲۶، صرفاً یک تور دیپلماتیک دیگر در کشوری نبود که پایتختهای خارجی عادت داشتند تنها از دروازه طرابلس به آن وارد شوند. فیدان در پایتخت با عبدالحمید دبیبه، محمد منفی و محمد تکاله دیدار کرد و سپس راهی بنغازی شد و در آنجا با خلیفه حنتر، مدام حق، قبیله صالح و بقلاسم حنتر به گفتگو نشست. مهتر از همه آنکه وی اعلام کرد ترکیه در پی آن است تا از روابط خود با شرق و غرب لیبی برای یاری رساندن به یکپارگی آن‌ها و پی‌ریزی «لیبی متحد، دارای حاکمیت و مستقل» بهره گیرد.

تنها همین تصویر برای نشان دادن دگرگونی پدیدآمده در سیاست ترکیه بسنده می‌کند. ترکیه‌ای که در سال ۲۰۱۹ برای دفاع از دولت طرابلس وارد کارزار لیبی شد و نیروها و پشتیبانی‌های نظامی‌اش عاملی تعیین‌کننده در جلب اعتماد آن پس از دفع حمله حنتر به پایتخت بود، دیگر با شرق لیبی به مثابه اردوگاه دشمن رفتار نمی‌کند؛ بلکه اکنون می‌کوشد تا کلیدهای هر دو طرف را در دست داشته باشد. مسئله دیگر پیروزی طرابلس بر بنغازی نیست، بلکه حضور همه‌جانبه ترکیه در لیبی است، بی‌تدبیر یا به رز ساختار و ترتیبی که حل‌وفصل پیش‌رو به خود بگیرد.

از این رو، نباید به سفر فیدان جدا از روندی که پیش از آن طی شد نگریست. در ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۶، فیدان در آنکارا از مدام حنتر استقبال کرد؛ دیداری که به‌روشنی بیانگر گشایش و گرایش روزافزون آنکارا به سوی شرق لیبی بود. پیش از آن نیز مدام در ۲۹ ژوئن راهی واشنگتن شده بود و در آنجا با مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، با حضور مسعد بوس (مشاور ارشد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در امور عربی و آفریقایی، و مامور پیگیری شامی از پرورنده‌های منطقه‌ای که در رأس آن‌ها روند آمریکایی باژآرایی صحنه لیبی قرار دارد) دیدار کرد؛ سپس دیدارهای خود را در دو روز بعد با مقامات آمریکایی مرتبط با پرونده لیبی پی گرفت تا برای امرن پیکارچمسازی نهاد نظامی و دیگر نهادهای لیبی، دستیابی به حاکمیتی واحد و برگزاری انتخابات به ابزاری بپردازد. زمان‌بندی این تماس‌ها هرگز تصادفی نبود؛ چرا که واشنگتن مستقیماً کاتال ارتباطی با یکی از برجسته‌ترین کانو‌های قدرت در شرق را می‌گشود، درست در همان هنگام که آنکارا نیز کاتال ویژه خود را با وی برپا می‌ساخت. مهتر آنکه این رویکرد ترکیه هم‌زمان شد با گرایش فزاینده آمریکا به همان اردوگاه و در کانون آن مدام حنتر، در چارچوب مسیری که مسعد بوس برای باژآرایی قدرت و نهادهای لیبی هدایت می‌کند.

اینجاست که پیامد ژئوپلیتیک گسترده‌تر این رخ می‌نماید. واشنگتن و آنکارا هم‌گام و موازی بر روی پرونده‌ای یگانه، هر یک به شیوه خود، کار می‌کنند؛ چنانکه فیدان در سفر خود بر اهتمام آنکارا به پشتیبانی از تلاش‌ها در راستای یکپارچسازی نهادها در لیبی و پس‌انداز آن برای ایفای نقش کلیدی در هماهنگ‌سازی تلاش‌های بین‌المللی و حمایت از طرح پیشنهادی آمریکا با هدف وحدت نهادها در لیبی تا دستیابی به ثبات پایدار تاکید ورزید (العربی الجدید، ۲۰۲۶/۰۸/۱۳). بدین سان، برپایی لیبی بی‌ثبات تنها از دروازه طرابلس امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان نیرویی را که شرق کشور نهاد آن است نادیده انگاشت.

طرح پیشنهادی مسعد بوس در جوهر و بنیاد خود چنین می‌نماید که پیش از رسیدن به مرحله انتخابات، به سوی یکپارچسازی نهادهای سیاسی، نظامی و مالی جهت‌گیری شده است. این روند با تصویب بودجه‌ای واحد، ایجاد ترتیبات امنیتی مشترک و اجرای رزمایش‌های نظامی در سرت با نظارت فرماندهی نظامی آمریکا در آفریقا «آفریکام» همراه گردید (الجزیره، ۲۰۲۶/۰۷/۰۴). در این چارچوب، همکارهای امنیتی و نظامی آمریکا و لیبی فراتر از یک آموزش نظامی صرف است؛ بلکه تلاشی است برای پی‌ریزی بستری که یک نهاد نظامی واحد در لیبی بتواند بر روی آن استوار گردد.

از همین رهگذر می‌توان به نطفه تلاقی ترکیه و آمریکا پی برد. ترکیه از حضور نظامی و امنیتی عمیقی در غرب کشور برخوردار است و هم‌زمان ساخت کاتال‌های ارتباطی با شرق را آغاز کرده است. در حالی که آمریکا توانایی گرد هم آوردن ظرفی‌های درگیر و باژآرایی نهادهای نظامی و مالی را دارد است. اگر این مسیر قرار است به سازشی بینجامد که در آن شرق و غرب در حاکمیت شریک باشند، برآمدن خاندان حنتر در ساختار حکومت پیش‌رو به احتمالی بدل می‌شود که نادیده انگاشتن آن ناممكن است؛ بلکه موازنه‌های قدرت کنونی، سهمیه سادتن مردم حنتر در هر ترکیب و چپش آئینده را بر امی تبدیل می‌کند که عبور از آن دشوار خواهد بود.

نگاهی به آرامش نسبی در جنگ آمریکا علیه ایران

دکتر عبد الله محمد – ولایت اردن

آرامش شکننده کنونی میان ایران و آمریکا، در سایه تدابوم تنش‌های نظامی و سیاسی برآمده از جنگ آمریکا علیه ایران، ابعاد گوناگونی را در سطح خاورمیانه و سراسر جهان در بر دارد؛ تنش‌هایی که بی‌خباتی در بازارهای انرژی و گذرگاه‌های دریایی را به همراه داشته است. آنچه رخ می‌دهد، تلاقی پیچیده‌ای میان محاسبات امنیتی، اقتصادی، سیاسی و پیامدهای آن با منافع دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ از این رو، ضرورت دارد به این آرامش نسبی از زاویه‌های گوناگوه و درهم‌تنیده‌ای نگریست که رخدادها را نه فقط از دیدگاه آمریکا، بلکه از منظر ایران، کشورهای منطقه، چین، اروپا و دیگر کشورهای جهان به سبب زیان‌های وارد آمده از این جنگ مورد توجه قرار دهد.

آمریکا با خودکامگی تمام در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ جنگی را علیه ایران آغاز کرد، با این هدف که آن را از کشوری در مدار نفوذ خود، به دولتی کاملاً دست‌نشانده تبدیل سازد و برداشت‌های خویش از «خاورمیانه جدید» را محقق کند و چنین اعلام نمود که این جنگ برای دستیابی به اهدافش بیش از چند روز انگشت‌شمار به درازا کار را به آن می‌دهد؛ اما اگر دست به چنین اقدامی بزند، چنان نخواهد کشید.

با این حال، جریان‌های از سپاه پاسداران بر این باور بودند که اقدامات آمریکا و کشتن فرماندهان ردهاوال و دوم، شفاعتگر



خداوندی که ایران در طول بیش از چهل سال به آمریکا ارائه کرده بود، سپاه پاسداران توانست ضربه وارده را به مهار کند. ناآرامی‌های داخلی را تحت کنترل درآورد و رهبر جدیدی را تعیین نماید؛ از این رو، امکان رهایی از چرخش در مدار آمریکا را ممکن دید و این مساعداها تأثیر چشمگیری بر طبقه سیاسی همسوی با خواسته‌های آمریکا گذاشت. در نتیجه، ضربات دردناکی به پایگاه‌های آمریکایی و پیود وارد ساخت که خسارات سنگینی به همراه داشت. و با بهره‌گیری از یکی از برگ‌های برنده خود یعنی بستن تنگه هرمز، ابعاد و پیامدهای این جنگ را به تمامی کشورهای جهان گسترش داد.

این دیدگاه در پی رویدادهای روزهای جنگ و دورها و مذاکرات پس از آن، دستخوش فراز و نشیب گردید؛ مذاکراتی که در یکی از مراحل، این بخش سیاسی در ایران توانست با آمریکا توافق‌نامه‌ای چارچوبی برای توقف جنگ به امضا برساند؛ توافقی که آمریکا با فشار رساندن‌گذاشت در پاکستان و دیگر کشورهای بر ایران، برای خروج از تنگناش خود در پی آن بود. در همان رهبر امیر حزب‌التحریر، عالم جلیل‌القدر عطا، بن خلیل ابوالرشته با مسدود جواب سوالی که می‌نهاد این نهاد در بندهای این توافق‌نامه را آشکار ساخت، اوری که با ازسرگیری جنگ برای چند روز دیگر مورد تأیید قرار گرفت.

این جنگ به هیچ‌یک از اهداف اعلام‌شده آمریکا دست نیافت، بلکه سستی و ناتوانی آن را آشکار ساخت و فراتر رفتن مدت آن از شش ماه، عمق شکاف شدید درون آمریکا را در سطح سیاسی و نظامی به نمایش گذاشت؛ شکافی که به برکناری‌ها و استعفا‌های متعددی انجامید و با فریادهای گسترده مردمی برای توقف جنگ و شش ماه، عمق شکاف ناشی از گران‌ای بپای انرژی همراه شد. از سوی دیگر، مخالفت نظامیان به سبب اتمام و فرسایش ذخایر مهمات و ناتوانی در جبران آن با توجه به بحران اقتصادی آمریکا که حجم بدهی‌هایش را به بیش از چهل تریلیون دلار رسانده و نیاز مستمعی نظامی به سال‌ها زمان برای جبران این کمبود، اوضاع را پیچیده‌تر کرد. این مسئله در اختلاف علنی میان ترامپ و وزیر جنگش و درخواست فرماندهان نظامی برای توقف فوری جنگ خود را نشان داد؛ افزون بر این، نزدیکی انتخابات میان‌دوره‌ای که نتایج آن می‌تواند بر انتخاب ریاست‌جمهوری دو سال آینده اثرگذار باشد، بر موارد فوق‌الذکر افزود.

تمامی این عوامل آمریکا را در آن داشت تا جنگ را متوقف سازد

بار مسئولیت بر دوش شما سنگین گشته است ای لشکریان مسلمانان

گزارشی از سوی سازمان ملل متحد حاکی از آن است که در طول ۳۰۰ روز از «توقف جنگ»، ۳۰۰ کودک در پی تجاوزات بی‌پایان رژیم یهود به نوار غزه به قیض شهادت نائل آمده‌اند. بر این اساس، بخش بنوان در دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: این خبر بدین معناست که این جهان با تمامی نظام‌ها و نهادهای بین‌المللی‌اش در درجه نخست دست‌اندرکار توطئه است؛ جهانی که در طول سده سال کوشید تا ملت‌های دنیا را متقاعد سازد که جنگ می‌خواهد و در پی صلح است، در حالی که در سراسر جهان مذاکرات، فشارها در اوج خود قرار داشت تا مجاهدان غزه را به تسلیم سلاح‌هایشان وادار سازد. در مقابل، حتی پس از آنکه ترامپ با خودستایی اعلام کرد توانسته جنگ در غزه را متوقف سازد، اکنون می‌بینیم که فرزند لوس و دردانه آمریکا در وحشیگری خود زیاده‌روی می‌کند و در مقابل از هیچ‌کس صدایی برنمی‌خیزد، مگر برای شمارش شهدا و اعلام جان‌باختن آنان به عنوان خبری گذر!

ای امت محمد، این خبر بدین معناست که شما در دیدگان دشمنانتان بیش از هر زمان خوار و بی‌مقدار شده‌اید و تا هنگامی که با مسائل خویش از درجه ملی‌گرایی‌های تنگ‌فکرانه و «تا زمانی که آتش به در خانه من نرسیده بدخا بسنده می‌کنم» برخورد کنیم، کشتار کودکان، زنان و جوانان ما همچنان با شدت ادامه خواهد یافت!

این خبر بدین معناست که ای دارندگان سلاح، ای فرماندهان لشکرها و هر آن کس که توان تحرک برای یاری امت خویش را دارد و خاموشی می‌گزیند، گروه‌هایی از گناه و بارهای سنگینی را بر دوش خود حمل می‌کند که در روز رستاخیز با آن در پیشگاه پروردگارش حاضر خواهد شد!

ادامه : ائتلاف سه‌گانه سعودی، ترکیه و پاکستان

بخواهد ادامه می‌یابد: سپس آنگاه که پروژدار اراده فرماید. آن را برمی‌چینند: آن‌گاه خلافتی بر منج نبوت خواهد بود. سپس سکوت فرمودند». پس بی‌تردیدی خلافت به اذن الله سبحانه‌وتعالی بازخواهد گشت. جز آنکه تقدیر و خواست پروردگار بر آن قرار گرفته و فرشتگانی از آسمان فرو نیایند تا درحالی‌که با دست روی دست گذارند،ایم برای ما خلافت پایا کنند؛ بلکه باید به تلاش برخیزیم، کوشا سازیم و آن‌گاه با اطمینان، چشم‌به‌ترافق وعده الله سبحانه‌وتعالی بشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم بمانیم و تمامی این مسیر در سیره و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم آشکار و هویداست. این‌چنین بود که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم عمل فرمودند و یاران ایشان رضوان‌الله علیهم نیز این‌گونه به ایشان اقتدا کردند و نیز باید این‌چنین باشیم، تا نصرت الهی بهیچ تردیدی به اذن الله سبحانه‌وتعالی فرا رسد، «وَيُؤَيِّدُ بِنُفْحِ الْمُنْتَوَى، بِنُفْرِ اللَّهِ يُنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ».

۱۴۴هـ

۲۰۲۶/۰۸/۱۸

ارتش مصر باید برای پاسداری از سرزمین خود در برابر خشکسالی و نجات مردمش از تشنگی به پا خیزد

یک مقام مسئول مصری روز یکشنبه به اظهارات اخیر منسوب به هاتامو ابیتا، وزیر آب و انرژی اتیوپی که در آن از ساخت سدهای بیشتر بر روی رود نیل و مهار جریان آب به سوی دو کشور صعب، یعنی مصر و سودان سخن گفته بود، واکنش نشان داد. این منبع تأکید کرد که: «این اظهارات بار دیگر ادعاهای مکرر اتیوپی مبنی بر اینکه اقداماتش با هدف توسعه و بدون آسیب رساندن به دیگران صورت می‌گیرد را باطل می‌سازد؛ چرا که اعلام سرچش تلاش برای مهار جریان یک رود بین‌المللی به سوی دو کشور پایدار، رویکردی ناعادلانه فزادگار است آشکار می‌کند که هدف آن دستیابی به توسعه مشروع نیست، بلکه تلاشی برای تحمیل امر واقع، انحصار یک منبع آبی مشترک و بین‌المللی و بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی برای تهدید حقوق و منافع آبی دو کشور پایین‌دست است؛ امری که حقوق بین‌الملل آن را به رسمیت نمی‌شناسد و مصر هرگز اجازه تحمیل آن را به سوی‌المللی‌الموصله فرمودند: «المسلمون شرکا، فی ثلاث؛ فی الکفا، واما، والآخر» «مسلمانان در سه چیز با یکدیگر شریکند: در چراگاه، آب و آتش (انرژی)».

حال چگونه خواهد بود اگر دولتی مانند اتیوپی بخواهد به سبب سیاست‌ها، طمع‌رژوها و توطئه‌اش با کافران استعمارگر همچون رژیم یهود، میلیون‌ها مسلمان را در مصر از آب محروم سازد؟! واجب بر حکومت مصر آن است که تدابیر و اقداماتی سرنوشته‌سان، واقعی و جدی را در برابر این بحران و این دست‌اندازی آشکار به ابتدایی‌ترین نیازهای مردم مصر در پیش گیرد، حتی اگر مستلزم به حرکت درآوردن ارتش باشد؛ پس کار ارتش مصر برای پاسداری از مردم، فرزندان و خویشانش تحرکی را خود نشان ندهد، چه نیازی به آن خواهد بود؟! اما پیسنده کردن به مکتاتبین برللی و پناه بردن به نهادهای استعاری، عین سستی، بی‌پروایی و پاشیدن خاکستر در چشمان مردم مصر است!

ادامه : نقش آمریکا در جنگ سودان

بشردوستانه در بر دارد، با هدف مشروعیت‌بخشیدن به ماهیت نیروهای واکنش سریع و تثبیت وضعیت کنونی آنان است. همچنین هنگامی که سند اخیر پاولز در ۲۰۲۶/۰۶/۲۰ از (ترتیبات امنیتی شامل برداشتن کماهی برای عملیات عقب‌نشینی و استقرار مجدد نیروها) سخن به میان می‌آورد، در حقیقت بر موجودیت و تداوم نیروهای واکنش سریع مهر تایید می‌زند و از بخش‌گفتن برپایه اصول انحلال آن‌ها ظفر می‌دود؛ بلکه با فراخواندن نیروهای واکنش سریع به استقرار مجدد، به‌طور ضمنی بقای آن‌ها را خواستار می‌شود. این طرح هژمان میان ارتش رسمی و جرایمی‌پای چون نیروهای واکنش سریع که در پی راپارچه کردن سودان هستند، برابری قائل می‌شود. سند آمریکایی به پهنه (تسهیل دسترسی به کمکه‌های بشردوستانه، حفاظت از غیرنظامیان و فراهم‌سازی شرایط برای بازگشت اورگان) خواستار (عملیات عقب‌نشینی نظامی محدود) شده است و این خود تأکیدی است بر حفظ این نیروها بدون هیچ محدودیت در سکانچور را در عهده دارد که پیش‌پا نهادهای نام «Central Asian Development Group» شناخته می‌شد: شرکتي بین‌المللی که افزون بر ۲۰ سال پیمان‌ها و قراردادهایی با آمریکا و سازمان ملل متحد داشته است.

بر پایه این تحقیق، این هواییماها در ۲۰۲۵ توسط ارتش سودان در فرودگاه بیاا متهم‌شده.

ترمیدید آمریکا پروژه جنگ در سودان را در دست دارد؛ چنان‌که بر ترماف فاش ساخت که تلاش برای یافتن راهکاری جهت پایان دادن به متنازع در سودان را آغاز کرده است و خاطرنشان نمود که محمد بن سلمان به وی تأکید کرده که توقف این جنگ، بزرگترین و ارزنده‌ترین کار است که می‌توان انجام داد.

ترامپ در سخنرانی خود که هیشاهی که توسط شورای بازرگانی عربستان و آمریکا در واشنگتن دی‌سی برگزار شد، اظهار داشت که دیدگاه او نسبت به اوضاع سودان، پس از توضیحات و هوشنگری‌هایی که ویلهبد سعودی در دیدارشان در کاخ سفید به او ارائه داد، تغییر کرده است.

تمامی این شواهد نشان می‌دهد که این خود آمریکاست که جنگ سودان را در چارچوب جنگهای نسل چهارم برای تجزیه و پارهمپاره کردن سودان هدایت و مدیریت کند.

واقعیت اینست که همانند دیگر دولت‌های استعماری، این است که مالکان شرکت‌های انحصاری و سرمایه‌داران و بازرگانان بر آن سلطه دارند. از همین رو درمی‌یابیم که سیاست خارجی آن، سیاست ترنومندان و انحصارطلبان است؛ یعنی سیاستی کاملاً استعاری که از آن هیچ چنگی‌های برای ارتش‌های واکالی انسانی وجود ندارد؛ از این رو بوجه‌ای که برای امور دفاعی و نظامی اختصاص می‌دهد از مجموع هزینه‌های بریتانیا، فرانسه و آلمان نیز فراتر می‌رود.

در برابر دولت این نواختنهایی، جز اتمی اصولی و هیچ‌بعضیه‌ای که دولتی برخاسته از باور و عقیده‌اش داشته باشد، هیچ قدرتی توان ایستادگی نخواهد داشت و هیچ‌کس شایسته‌تر و توانمندتر از امت اسلامی برای این رسالت نیست، زیرا تنها عقیده برحق را در دست دارد؛ بلکه از دیدگاه شرعی مکلف گردیده است تا راهبر و گواه بر دیگر مردمان باشد؛ چنان‌که رسول‌الله سبحانه‌وتعالی فرمود: «وَمَنْ كَذَبَ بَعْدَ حَقٍّ كَانَ كَذِبُهُ كَذِبًا» «هر کس پس از حقیقت کذب کند، کذب او کذب است»؛ این گونه‌ها شما را اتمی سطر قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر نیز بر شما گواه باشید. این گواهی و رهبری بر بشریت هرگز جز با سبب زنجیر زندگی انسانی و اهدافی از طریق برپایی دوباره خلافت بر منج نبوت امکان‌پذیر نخواهد بود.

عربستان و پاکستان که شرکای راهبردی آمریکا در خارج از ناتو محسوب می‌شوند و خواه کشوری که در مدار آمریکا گردش می‌کند مانند ترکیه که در کنار آن عضو از پیما آنان است.

۳- همانا آمریکا که پی آن است این سه کشور پیرو خود در منطقه نقشی ویژه، به‌ویژه در برابر ایران و علیه مسلمانان این منطقه، ایفا نمایند. پس از آنکه در تاریخ ۲۰۲۶/۰۶/۱۸ اعضای یادداشت تفاهمی میان پرتشکیان، رئیس‌جمهور ایران و ترامپ، همتای آمریکایی‌اش، به‌صورت برخط و از طریق ویدئوکنفرانس اعلام شد و با این حال آمریکا تا کنون نتوانسته است به خواسته‌های خود دست یابد و مذاکرات با بن‌بست و دشواری روبرو گردیده است. اکنون می‌کوشد تا این کشوری بزرگ منطقه را به عنوان ابزارهای فشار علیه ایران به کار گیرد؛ و از این رهگذر، ایران را با کشورهای همسایه‌ای که هم‌پیمان آمریکا هستند در محاصره قرار دهد و بدین ترتیب ترامپ گمان می‌برد که ایران نرمش نشان داده و شروط او را خواهد پذیرفت و در نتیجه او می‌تواند سرنوشته‌های خنثی را از شکست در انتخابات میان‌دوره‌ای پیشرو در امان نگه دارد. از همین رو، جو ویلسون، نماینده جمهوری‌خواه کنگره آمریکا، در تاریخ ۲۰۲۶/۰۸/۰۸ در حساب کاریز خود در شبکه اجتماعی ایکس پرمپوان این توافق‌نامه نوشت: (توافق دفاع مشترک میان عربستان، ترکیه و پاکستان دستکار دیلی است که به سبب اسباب رئیس‌جمهور آمریکا، در راستای تقویت ثبات، امنیت و شکوفایی در خاورمیانه گذاشته می‌شود). همچنین مایکل راتنی، سفیر پیشین واشنگتن در ریاض، بر این باور است: (آمریکا به این توافق به عنوان عاملی برای تقویت امنیت منطقه می‌نگرد که بر اساس اظهارات وی، امکان مقابله با تجاوزات پرتیپی ایران را فراهم می‌سازد و در نتیجه توافق مکه به حفاظت از سراسر منطقه یاری می‌رساند؛ وی معتقد است دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، این ائتلاف سه‌گانه را (ابزاری در خدمت خود و عاملی برای تقویت ثبات می‌داند). العربیه نت، ۲۰۲۶/۰۸/۱۸). تمام این موارد نشان‌دهنده آن است که آمریکا در پس این توافق ایستاده و این امر موقعیتی برای رئیس‌جمهور آن، ترامپ، به‌شمار می‌رود. بنابراین، آمریکا این سه کشور پیرو خود را به حرکت درآورد تا از آنان به عنوان اهرم فشار غیرمستقیم بر ایران بهره گیرد.

۷- افزون بر این، ترکیه عضوی از پیمان ناتو است و تعهد به دفاع از اعضای آن، از جمله آمریکا، دارد؛ آیا ممکن است برخلاف تعهداتش که باربردار هر یک از اعضای آن بود، ترامپ در این سه کشور به کار ببرد؟ از همین رو، اردوغان رئیس‌جمهور آن نهایت تلاش خویش را به کار بست تا شکاف‌های درون این پیمان، به‌ویژه میان آمریکا و اروپا، را ترمیم نماید و برای تقویت آن کوشید؛ چنان‌که در روزهای ۸ و ۹ ژوئیه ۲۰۲۶ در آنکارا از رهبران تور را در سید، ترامپ در این سفر کرد. وی شخصاً در فرودگاه به استقبال ترامپ رفت و سپس در کاخ ریاست‌جمهوری در آنکارا از او تجلیل نمود و پیش از آغاز نشست سران ناتو، دیداری دوجانبه با وی ترتیب داد؛ لوله‌های این استقبال نشان‌دهنده هم‌دستی و پیوند میان آن دو بود. ترامپ در این سفر تصریح کرد: (صادقانه بگویم، اگر نشست سران ناتو در ترکیه برگزار نمی‌شد و دوست من اردوغان که رهبری بسیار قدرتمند و شخصیتی بسیار باصلابت است، در اینجا نبود، چه بسا در این نشست شرکت نمی‌کرد). وی همچنین موضع ترکیه را در سید عدم ترمیم مهربانی ایران ستود. از این رو، مشارکت اردوغان در ائتلاف با عربستان و پاکستان، مشارکتی در راستای وفاداری آن به آمریکا و پایبندی‌اش به پیمان دفاعی آتلانتیک شمالی (ناتو) است.

۸- از زاویه‌ای دیگر، اظهارات بارمده از تهران نشان می‌دهد که ایران دریافته است که خود هدف این پیمان دفاعی تازه میان ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی است؛ چرا که در نخستین واکنش‌های این توافق‌نامه (ابراهیم رضایی، معاون کمیسرین امنیتی ملی و سیاست خارجی مجلس ایران در شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) گفت: «سعودی‌ها باید دریابند که یک توافق کاذبی با ترکیه و پاکستان امیت را برای آنان به ارمان نخواهد آورد. همان‌گونه که دهها کت به کرجاییه بر آمریکایی‌ها در تحق این امر تمام مانه. در این ادامه خطاب به سعودی‌ها افزود: «سیاست‌های خود را دگرگون سازید تا تاجار نشودید برای امنیت به این و آن اتهمان کنید». سی‌ان‌ان عربی، ۲۰۲۶/۰۸/۰۷). گذشته از این، روزنامه‌های ایران نیز، آن‌چنان‌که روزیک به سیاه پاسداران نیز اظهار داشت: (عربستان پس از بی‌تردین به بیهودگی تکیه بر ایالات متحده برای تأمین امنیت خود، به جای بازنگری در راهبرد خویش، به گسترش سیاست خرید امنیت از طریق سرازیر کردن دارایی‌ها به ترکیه و پاکستان با توافق سه‌جانبه مکه روی آورده است تا خود را در برابر پاسخ‌های جبهه مقاومت ممنون دارد). این امر به روشنی دیدگاه ایران را نسبت به اهداف این پیمان میان سه کشور آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که این توافق، ابزار فشاری است که آمریکا علیه ایران به کار می‌گیرد.

۹- اصل و حقیقت بنیادین آن است که این سه سرزمین: ترکیه، عربستان و پاکستان و سایر سرزمین‌های اسلامی، هنگی کشوری واحد در قالب دولتی یگانه باشند؛ زیر فرمانروایی خلیفه‌ای واحد که با کاتب الله سبحانه‌وتعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم در میان آنان حکم راند، نه خرده‌دولت‌هایی گسسته از یکدیگر که به نفع دولت‌های استعمارگر دست به ائتلاف می‌زنند و به پیمان‌هایی می‌پیوندند که قدرتهای استعمارگر برپا داشته‌اند. همانا آنان سیدان‌تعالی در آیاتی محکم به خود رذن به ریسمان خود فرمان داده و تفرقه و پارهمپاره کردن سرزمین‌ها به دولت‌های خرد را حرام فرموده است و دوستی با کافران و کارگزاران برای آنان را به‌گونه‌ای

از این رو، اکنون چنان‌که العربیه نت در تاریخ ۲۰۲۶/۰۸/۱۸ گزارش

داد، وی اظهار داشت: (دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از اعضای

توافق‌نامه دفاع مشترک مکه میان عربستان، ترکیه و پاکستان استعاضا کرد و این اقدام را گامی بزرگ، جسورانه و فوق‌العاده مهم دانست و در عین حال هماهنگی‌های امنیتی میان کشوری‌های خاورمیانه و حرکت آن‌ها به‌سوی تقویت توافق‌نامه‌های دفاعی مشترکشان را (ستون)، پیشتر نیز در العربیه نت در تاریخ ۲۰۲۶/۰۸/۱۷ منتشر کرده بود: (ترامپ در دستور شبکه اجتماعی تروث سوشال افزود که از اعضای توافق توسط این سه کشور فرستد است و توافق‌نامه دفاع مشترک مکه را بازتابی از همکاری روزافزون میان کشوری‌های خاورمیانه می‌داند).

این است انگیزه تأخیر ترامپ در تمجید و اعلام حمایت وگرنه هر سه کشور فرمانبردار آمریکا هستند. خود خواهد نوشته‌شده‌ای چون

یمن و اثرپذیری آن از رخدادهای منطقه

استاد عبدالله القاضی — ولایت یمن

رشاد العلیمی، رئیس شورای رهبری یمن، در چهارشنبه دو هفته پیش در دیداری گسترده با رهبران و نمایندگان نهادهای رسانه‌ای رسمی و محلی یمن اظهار داشت که دولت این کشور از هیچ‌گونه آتش‌بس تازه و توافق توقف درگیری‌ها پشتیبانی نمی‌کند؛ چرا که ملحق پایدار بر پایه‌گذاری دولتی استوار است که انحصار سلاح و حاکمیت را در دست داشته باشد و هیچ شبه‌نظامی خارج از چارچوب دولت در آن حضور نداشته باشد. العلیمی همچنین آخرین پیام را خطاب به حوثی‌ها فرستاد و گفت: «فرصت برای بر زمین گذاشتن سلاح، تبدیل شدن به یک حزب سیاسی و رقابت برابر با دیگر یمنی‌ها از طریق صندوق‌های رای همچنان فراهم است.»

سخنان العلیمی، آن هم دقیقاً در این برهه از زمان، گویای آن است که موضع سیاسی و همچنین نظامی دستخوش دگرگونی شده است. لحن گفتارن سیاسی با تعدی همراه گشته و پاسخ نظامی بیش از گذشته با توان و شدت پیگیری می‌شود؛ چنان‌که پس از سال‌ها، برای نخستین بار تمامی یهپوها به‌طور هم‌زمان در پاسخ به حملات حوثی‌ها در الرویک، المخا، مارب و حتی جنوب پادشاهی آل‌سعود، با پشتیبانی و حتی هدایت عربستان سعودی فعال شده‌اند.

سیاست آمریکا چنان اقتضا نموده است که توازنِ نظامی در منطقه برقرار شود تا مانع از چپ‌روی یک یا چند کشور به آن گردد. امری که ممکن است با تمهیدی، آمریکا را به تلافی نامرئیت در دولت برای مهار و خامی از آن واردارد؛ همانند تلافی که امروز برای مهار ایران به کار می‌یمنند. پس از آنکه نفوذی مستقیم در منطقه یافت؛ نفوذی که نتیجه شکست‌های پیاپی درپی سیاست‌های آمریکا بود و دولت‌های متوالی واشنگتن را ناگزیر ساخت تا در افغانستان، عراق، لبنان، سوریه و یمن از ایران یاری جویند و سپس ایران به سنگ پناهی ماضی در برابر تقشقه‌ها و منافعهای آمریکا در منطقه بدل گشت. آمریکا همچنین بریز یهود را جدانپذیر از خود می‌داند و بر این باور است که باید انزاری برای تأمین منافع واشنگتن باقی بماند؛ از همین رو، آمریکا توافق‌نامه همه کاره دفاع مشترک را میان عربستان، ترکیه و پاکستان پایه‌ریزی کرد. آمریکا تنها به توافق مکه بسنده نکرد، بلکه ائتلاف دیگری متشکل از ۳۹ کشور را به رهبری عربستان و پاکستان پدید آورد؛ ائتلافی که هدف آن ساختن چارچوبی دفاعی و نهادینه‌شده، برای مقابله با تهدیدات دریایی حوثی‌های مورد حمایت ایران است. آن‌ها از طریق تقویت امنیت دریاوردی و حفاظت از آزادی کشتیرانی، در کنار ایمن‌سازی خطوط بازرگانی بین‌المللی و حفاظت از مسیرهای تأمین انرژی و منافع دریایی مشترک در تنگه باب‌المندب، دریای سرخ و خلیج عدن، آن‌گونه که در درجه نخست منافع آمریکا اقتضا می‌کند؛ چرا که آمریکا از دهه هفتاد قرن گذشته زیر عنوان «امنیت دریای سرخ» در پی سیطره بر دریای سرخ و گسترش نفوذ خود بر آن بوده است. اما درباره ایران، تمام خدعاتی که در افغانستان، عراق، سوریه و دیگر نقاط به آمریکا ارائه داد، شفاغتر آن نشد؛ پس از آنکه آمریکا منطقه را با کانون‌های فرهنگی راهگمون در ایران، عربستان، لبنان، سوریه و یمن پر ساخت تا از آن به عنوان ساحلی در جنگ علیه اسلام بهره گیرد.

بر سوریه، نقش ایران بر اساس آنچه آمریکا ترسیم کرده بود پایان یافت و از این رو واشنگتن از آن خواست تا عقب‌نشینی کند و در عمل نیز این عقب‌نشینی از سوریه را آغاز نمود و نیروهایش را بیرون کشید؛ سپس آمریکا به جای دست‌نشانده جایگزارش بشار که کانون نفوذ منطقه‌ای آن به شمار می‌رفت، دست‌نشانده‌ای دیگر را از طریق ترکیه جایگزین ساخت. همچنین، در جنوب لبنان، هنگامی که آمریکا به رژیم یهود چراغ سبز نشان داد تا فرماندهان حزب ایران را به قتل برساند و نیروها

نظام آموزشی در دولت خلافت، دولتمردانی در تراز عالی می‌سازد

پربیزی این نظام آموزشی بر پایه اسلام هرگز در سایه یک نظام سیاسی که بر جدایی اسلام از زندگی استوار است محقق نخواهد شد؛ بلکه نیازمند درک این حقیقت است که اسلام عقیده‌ای است که نظامی همچونیه از آن سرچشمه می‌گیرد؛ نظامی که باید توسط دولت خلافت راشده بر منبج نبوت اجرا درآید؛ دولتی که اسلام آن را نظامی سیاسی در تراز اول قرار داده است.

نظام خلافت دارای چشم‌اندازی سیاسی، روشن و مستقل است که آموزش را به کارخانه‌های برای پرورش دولتمردانی در تراز عالی و بستری باور بدل می‌سازد در شخصیت‌هایی استوار پدید می‌آورد؛ شخصیت‌هایی که چشم به رهبری دارند و به وابستگی فخرتبار تن در نمی‌دهند. این امر در ابد بیان سبب است که اسلام آموزش را از نیازهای بنیادین جامعه قرار داده که بر دولت واجب است آن را در کنار خدمات درمانی و امنیت، بصورت رایگان و در بالاترین سطح فراهم سازد؛ همان‌گونه که برآورده ساختن نیازهای بنیادین از خوراک، پوشاک و مسکن را برای تکک افراد جامعه تضمین می‌کند.

از این رو، دولت خلافت درآمدهای هنگفت حاصل از مالکیت‌های عمومی و منابع در اختیار خود، از قبیل عهادن، انرژی، کشاورزی، دامپروری و مانند آن را برای پربیزی یک نظام آموزشی بر پایه چشم‌اندازی جامع از دوره ادبای راهنمایی و دبیرستان گرفته از آموزش عالی اختصاص خواهد داد؛ به‌گونه‌ای که شخصیت اسلامی ارتقا یابد تا در پاسداری از مسائل سرنوشت‌ساز است، خدمت به آن و توانایی در تدوین راهبردها نقش پیشرو ایفا کند. بدین ترتیب نسلی پورده می‌شود که میان ویژگی‌های رهبری و انخاصی مؤمنانه پیوند برقرار می‌سازد و از مجموعه گوناگون از مهارت‌ها و زمینه‌های تخصصی که امت در میان‌های نبرد زندگی بدان نیازمند است، بهره‌مند می‌گردد.

نظام‌های حکمرانی در سرزمین‌های مسلمانان در توسیم مرزهای خون رشک‌مند!

نظام‌های حکمرانی در سرزمین‌های مسلمانان در تثبیت مرزهای سایبیک-مشکو مشارکت می‌ورزند و در پارامبره کردن هرچه بیشتر سرزمین‌ها دست دارند تا ساختارهای سیاسی تازه‌ای در یمن، لیبی، سودان، مغرب و سوریه پدید آید؛ همانند آنچه در تیمور شرقی و جنوب سودان رخ داد!

گفتارن نظام‌های حکم در سراسر سرزمین‌های مسلمانان، بی‌همچ استثنایی، ورده از اندیشه‌هایی مسخ‌شده و فریفته فرهنگ غرب می‌ریدارد که نشان‌دهنده کینه‌ای ژرف نسبت به اسلام است. آن‌ها هم در برابر غربی که تمدن سرایبداری‌اش در حال افول است و واپسین نفس‌های خود را می‌کشد و نظام مالی جهانی‌اش در کفن پیچیده شده و چشم‌پره‌ها خفاشساری است؛ در سایه بازگشت ناگزیر جهان به داودست با ظا به مثابه پناهگاه امن درآییه‌ها، تغییر و بی‌ارزش شدن اسکناس‌های کاغذی و غیرقابل‌دوره آن‌ها در برابر ظا.

این امر شکستی فاضل و علانیه‌شده از توانایی نظام‌های حکم در سراسر سرزمین‌های مسلمانان در پر کردن خلا سیاسی است که غیبت دولتی خلافت از سال ۱۳۲۲ هـ. ق یا ۱۹۴۴ م در جای گذاشته است؛ نشانه‌ای است از زندگی بدون خودمختاری در دولت خلافت راشده بر منبج نبوت؛ چنان‌که رهبران کشورهای مسلمان‌نظامی می‌فرمایند: «ما را ننظر زسنتا وائالین اتنوا فی الخلیا الذلیا ویوم یقوم اللفان» «همانا ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برمی‌خیزند، قضا یاری می‌بخشیم» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم فرمودند: «من تگوّن خلافة علی منهای النبوّة».

طرح قانون آمریکا برای تقویت همکاری‌های دفاعی میان خود و رژیم یهود

استاد مناجی محمد

لیحه مجوز دفاع ملی آمریکا برای سال مالی ۲۰۲۷ در ماده ۲۱۹ به ابتکار همکاری فناوری دفاعی میان آمریکا و رژیم یهود اشاره کرده است؛ این ماده در میان موارد دیگر بر محورهای زیر تصریح دارد:

• گسترش پژوهش، توسعه، آزمایش، ارزیابی و یکپارچه‌سازی فناوری‌های دفاعی

• تشویق تولید صنعتی و نظامی مشترک

• ادغام برخی فناوری‌های (اسرائیلی) در برنامه‌های تسلیحاتی آمریکا در صورت تناسب و نیاز

• تقویت آموزش مشترک و تبادل اطلاعات

شماری از تحلیل‌گران و نمایندگان کنگره آمریکا این ماده را چنین توصیف کرده‌اند که در پی یکپارچگی عمیق میان منابع دفاعی و نهادهای نظامی دو طرف است و در حکم ادغام حقوقی و قانونی دو ارتش به‌شمار می‌رود؛ همچنین این‌گونه تفسیر شده است که کنگره به سوی همگرایی نظامی و فناوریانه عمیق‌تری میان آمریکا و رژیم یهود پیش می‌رود.

برای بررسی ابعاد راهبردی تلاش آمریکا جهت پیوند زدن استوار رژیم یهود به منافع استراتژیک خود از منظر امنیتی و نظامی و تبدیل آن به بخشی بنیادین در مهندسی امنیتی خویش از مجرای سازوکار قانون‌گذاری و نهادهای دولتی، باید بر برخی حقایق استراتژیک و دگرگونی‌های پدیدآمده در صحنه بین‌المللی برای تبیین این موضوع درنگ نمود:

نخست، ماهیت واقعی رژیم یهود و جایگاه آن به مثابه پایگاهی نظامی و راهبردی برای آمریکاست؛ پایگاهی که امروزه پس از آشکار شدن ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌هایش در جریان عملیات طوفان الاقصی و جنگ علیه ایران، در حال بازسازی، توان‌افزایی مجدد و به‌نگاری دوباره است.

سپس، برای پی بردن به انگیزه‌ها، اهداف و غایت راهبردی آمریکا در پس این ادغام نظامی، همگرایی صنعتی، اشتراک دفاعی و امنیتی و هماهنگی عملیاتی میان نهاد نظامی آمریکا و ارتش رژیم یهود؛

نخست، درک مهم‌ترین انگیزه‌های استراتژیک و عوامل تمعیق پیوند امنیتی و نظامی رژیم یهود با آمریکا؛

از برجسته‌ترین دلایل، انتقال ثقل استراتژیک و ژئواستراتژیک و به همراه آن جای‌جایی تمرکز و توان راهبردی آمریکا به سوی چین و حوزه اقیانوس‌های هند و آرام (اَیندو-پاسیفیک) است؛ چرا که راهبرد امنیت ملی آمریکا از زمان دولت بایدن، روسیه را تهدیدِی حاد و چین را چالش‌ی شتابان قلمداد می‌داند. این امر به‌منابر مستلزم بازنگری در حضور نظامی پررنگ و متعزک آمریکاً به‌ویژه در منطقه ما است، تا نیروهای نظامی خود را برای بازدرنگی در برابر گسترش نفوذ چین در حوزه اَیندو-پاسیفیک و مهار روسیه در پهنه اروپا باآرآیی و بازتوزیع نماید.

دوم، اهداف، غایت و سازوکارهای نهفته در پس این ادغام امنیتی و نظامی؛

این ادغام، تفسیر و هدف بنیادین خود را در راهبرد آمریکا برای کاهش نیروهای نظامی‌اش در منطقه به‌منظور هدایت ذخایر راهبردی خویش به سوی چین می‌یابد؛ و هم‌زمان با آن، مسئله «پر کردن خلأ» رخ می‌نماید. آمریکا برای پر کردن خلأ نظامی و استراتژیکی که ممکن است در پی کاستن از حضور نظامی‌اش در منطقه پدید آید، راهبرد تکیه بر کارگزاران محلی و شرکای نظامی را پیش‌گشید تا بار نقش‌کارکردی نظامی و مسئولیت‌های ناشی از آن را بر دوش کشند؛ از هم آ در طریق پربیزی یک ساختار امنیتی منطقه‌ای از کارگزاران محلی با فرامادهی آمریکا و بازتعریف نقش واشنگتن در منطقه از جایگاه «فرمانده مسلط» به «هماهنگ‌کننده کارآمد» میان شریک‌های کارکردی. این بارآرآیی امنیتی و استراتژیک منطقه، ذیل پروژه «خاورمیانه جدید» می‌گنجد که در خدمت راهبرد کلان آمریکا در برابر چین و فراتر از آن، در راستای مقابله با پروژه اسلام قرار دارد و در کانون این مهندسی امنیتی منطقه‌ای، احدام رژیم یهود و تبدیل آن به هسته سخت و کارگزار نخست منظومه امنیتی نوین آمریکا نهفته است.

سازوکار گنجانند این رژیم در کانون مهندسی امنیتی نوین،

طرح قانون آمریکا برای تقویت همکاری‌های

دفاعی میان خود و رژیم یهود

همان «توافقات ابراهیم» است؛ چرا که هدف استراتژیک آن، همضم و ادغام امنیتی این رژیم در منطقه، فعال‌سازی آن به مثابه پایگاهی تمدنی برای رهبری رژیم‌های کارکردی در نبرد با اسلام و مقابله به طرح آن و گماردن آن در رأس کارگزاران آمریکاً جهت پر کردن خلأ نظامی، امنیتی و راهبردی در منطقه است.

آنگه با آغاز جنگ ایران پدیدار گشت، تنگنای خفقان‌آور آمریکا و فرسایش ذخایر استراتژیک آن بود؛ بر اساس گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS): (آمریکاً حجم فوق‌العاده‌ای از مه‌مات را در هدف قرار دادن مقرهایی در درون خلأ ایران مصرف کرد؛ چنان‌که مکنزی ایگلن، کارشناس راهبرد دفاعی یادآور شد، ارتش آمریکا در طول چند هفته بیش از هزار موشک کروز تاماهاوک شلیک کرد، در حالی که سالانه تنها توانایی تولید ۹۰ تا ۱۰۰ فروند از این موشک‌ها را دارد. همچنین آمریکا برای رویارویی با موشک‌های ایران، تنها ۲۸ فروند تا ۸ آوریل دستمک ۱۹۰ موشک رهگیر تاد ۱۶۰۰ موشک رهگیر پاتریوت به کار برد؛ ارقامی که به ترتیب حدود ۵۳٪ و ۴۶٪ از کل ذخایر پیش از جنگ آمریکا را شامل می‌شد و بر نرخ کنونی بازتولید این موشک‌های رهگیر، چنانچه آمریکا ناگزیر نبود، توانایی رویارویی با تهدیدات هوایی را در چندین میدان نبرد نخواهد داشت). افزون بر این، آسیب‌ها و کسارات ویرانگری متوجه پایگاه‌های آمریکا در خلیج گردید و پایگاه اردن نیز در حملات اخیر به سرنوشت آن‌ها دچار شد.

این تنگنای استراتژیک و وضعیت نظامی فوق‌العاده بحرانی، در منطقه جز رژیم یهود را به عنوان پایگاهی استراتژیک و کارآمد برای آمریکا باقی نگذاشت؛ به‌ویژه با تکیه بر مگهونی تمدنی، سیاسی، نظامی و امنیتی میان آن دو که تا‌دوم و خدمت‌رسانی این پایگاه را تضمین می‌کند. همین امر ایده شتاب‌بخشی به ادغام عملیاتی میان ارتش‌های آمریکا و این رژیم را زنده ساخت؛ با توجه به اینکه نبرد علیه ایران نیز ادغام نظامی، مشترک و هماهنگ میان هر دوی آن‌ها بود.

اساساً از سال ۲۰۲۱، پنتاگون رژیم یهود را از حوزه فرماندهی اروپایی به «سندکام» (سند فرماندهی ژرمنی مستقرخاورمیانه) منتقل ساخت و پس از آن، این رژیم در رزمایش‌های نظامی با هدایت آمریکا و مشارکت دیگر شرکای منطقه‌ای ادغام گردید. این جای‌جایی به همراه توافقات ابراهیم، سازوکار آمریکا را برای فعال‌سازی منظومه امنیتی نوین خود و به همراه آن، هماهنگی‌های امنیتی میان این رژیم و دولت‌های منطقه زیر نظر و رهبری آمریکا فراهم آورد.

بدین‌منابر، هدف از این همکاری عمیق نظامی و امنیتی میان رژیم یهود و آمریکا، گماردن این رژیم به عنوان کارگزار اصلی آمریکا برای تأمین امنیت و استراتژی منطقه در جهت خدمت به ادغام سلطه آمریکا و مقابله با پروژه رو به رشد و برانگیخته، تسلط است؛ همراه با آنکه این رژیم و شرکای کارکردی محلی، بارها و هزینه‌های این نقش‌آفرینی به سود آمریکا را بر دوش کشند.

با وقوع جنگ ایران و پدیدار شدن معضل نظامی و استراتژیک آمریکا بر شاخه محدودیت توان و قدرت آن، نیاز واشنگتن به این رژیم برای پر کردن شکاف و رخنه استراتژیکی که جنگ ایران بر جای نهاد، دوچندان شد؛ از هم آ راه تقویت نقش این رژیم به مثابه پایگاه راهبردی آمریکا در منطقه، در کنار رژیم‌های دست‌نشانده محلی.

آنگه این ادغام نظامی و امنیتی رژیم در باطن خود پنهان می‌دارد، همانا محدودیت قدرت نظامی آمریکا، آسیب‌های ژرف‌تر استراتژیک آن و پناه بردنش به کارگزاران محلی و در رأس آن‌ها این رژیم فرومایه برای وصلیمینه کردن تنگنای خویش است.

پس این فرزندان امت بزرگ اسلام: همانا دشمن ملیبی شما حقیر و زبون است و پست‌تر از او حکام فرومایه شمايند که شما را تسلیم آنان کرده‌اند؛ آيا زمان آن فرارسیده‌است که شما را حاکمیت غصب‌شده خویش را بازپس گیرید، دولت اسلام با طمعت خود در برپا ساختن شریعت پروردگارتان را به اجرا درآوريد و این خشم و تباهی را در هم شکسته و این لکه ننگ را محو سازید؟!

کشورهای آسیای مرکزی باید پیشنهادهای غرب را رد کرده و بر پایه اسلام متحد شوند

کشورهای آسیای مرکزی امروزه به‌گونه‌ای فزاینده پیشنهادهای نظامی، اقتصادی و اجتماعی غرب را می‌پذیرند و بیش از پیش به حوزه نفوذ آمریکا و غرب وارد می‌شوند؛ در حالی که عدم وابستگی آن‌ها به قدرتهای بیگانه در واقعیت به سود منافع خودشان و منافع ملت‌هایشان می‌یود. درسترترین راه برای این مقصود، یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های منطقه‌ای، گسترش منابع سنگین و دفاعی در خاک خود و تأمین نیازهای نظامی به‌صورت مستقل تا حد امکان است؛ چرا که وابستگی به قدرت‌های خارجی هرگز برای هیچ کشوری پشرفت یا استقلال واقعی به همراه نیابودد.

کشورهای آسیای مرکزی باید یکنه اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک، جایگاه تاریخی و سهم بزرگ خود در علوم جهانی را از یاد ببرند، بر پایه اسلام با یکدیگر متحد شوند و پیشنهادهای غربی را که به استعمار می‌انجامد رد کنند. در آن هنگام، اسلام آن را متحد خودشان ساخت و شاولده پیشروی بدسوی دومین خلافت راشده بر منبج نبوت را پی خواهد ریخت و قدرتهای را که خود را ابرقدرت‌های جهان می‌پندارند ناگزیر خواهد ساخت تا به نواستات سلطنت‌نظامی بر روی آنان حساب منبج نبوت را از یاد ببرد و قدرتهای را که خود را ابرقدرت‌های جهان می‌پندارند ناگزیر خواهد ساخت تا به نواستات سلطنت‌نظامی بر روی آنان حساب منبج نبوت را از یاد ببرد؛ چنان‌که کشورهای مسلمان‌های می‌فرمایند: «وَأَعِذُوا لَهُمْ نَاحِيَةَ الرَّبِّ لَمْ يَأْتِ الْبَاطِلَ تَرْهُونِ بِهِ عَذَابُ اللَّهِ وَعَذَابُكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ أَلَّا تَعْلَمُونَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ.» «هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده برای رویارویی با آنان فراهم سازید، ما با آن دشمن الله سبحانه‌وتعالی و دشمن خودتان و دیگرانی جز آنان را که شما نمی‌شناسید و الله سبحانه‌وتعالی آن را می‌شناسد، بی‌صنک سازید.»